



بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار:

بی شک یکی از مهمترین عناصر فعال در انقلاب اسلامی چه در دوره مبارزات نهضت و چه پس از پیروزی، عنصر روحانیت می باشند. بازخوانی مکرر شئون، تکالیف و وظایف این نهاد مهم نقش موثر تری در پیشروی این نهاد در راستای اهداف نظام اسلامی و تحقق شعارهای انقلاب اسلامی دارد. مسلماً رجوع به بیانات و منویات بنیان گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان یک اسلام شناس تمام عیار و یک مرجع تقلید جامع شرایط از لازم ترین و ضروری ترین کارها برای بازیابی وظایف این نقش مهم می باشد.

امام خمینی ره در ۳ اسفند سال ۶۷ پیام مفصلی را خطاب به مراجع عظام، ائمه جمعه و جماعات، روحانیون و طلاب سراسر کشور صادر نمودند که بعدها به "منشور روحانیت" معروف شد؛ پیامی که آخرین متن مفصل و مکتوب حضرت امام خمینی ره به شمار می رود. اهمیت این پیام به گونه است که حضرت آیت الله خامنه ای ۹ روز پس از صدور این پیام درباره اش می فرمایند:

"توصیه میکنم که این پیام را، مثل یک درس، مثل یک کتاب که انسان بایستی مکرراً بخواند، بخوانید. خود من واقعا مکرر خواندم. هرچه انسان می خواند، احساس می کند که روی کلمه کلمه آن باید تأمل کند و التذاذ معنوی ببرد."



در این پیام به عنوان یکی از مهم ترین پیام های سال آخر حیات با برکت امام خمینی ره، به مسائل مهم و حیاتی در باب روحانیت اشاره شده است که از جمله مهم ترین آنها می توان از صدمات و خطرات متحجرین حوزه های علمیه به عنوان یکی از ارکان اصلی اسلام آمریکایی، عوامل بقا روحانیت اصیل به عنوان حافظ اسلام ناب، اجتهاد پویا و سنتی و نام برد.

بی تردید این بازخوانی مجدد، افق روشنی را برای انسان انقلابی در قامت یک طلبه ترسیم می کند تا با کنشگری حوزوی خود در عرصه اسلام ناب، مسیر دیگر انقلابیون را به سوی قله های معارف اسلام انقلابی تسهیل و تسریع کند. بدیهی است در صورت عدم بازخوانی مجدد، خطر ارتجاع و تحجر قطعی می باشد و خدای ناکرده عناصر مخلص و انقلابی را به جای نقش آفرینی در گفتمان اسلام ناب، در چاقوب اسلام های تقلبی بازی می دهد.

امیدواریم این بازخوانی شمای روشنی از جبهه مبارزه اسلام ناب با استعمار و نسخه بدل های به ظاهر اسلامی به دست بدهد که با تشکیل حلقه های کوچک و بزرگ در جمع های طلبگی و مجامع حوزوی مقدمه خوبی برای حرکتی مفید و سریع در گام دوم انقلاب صورت پذیرد.

توضیحات اجرایی پیرامون حلقه های بازخوانی منشور روحانیت

۱. لطفا فایل هایی را که در اختیار شما قرار داده می شود را به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار بدهید و با کسب آمادگی نسبی به ارائه آن اقدام کنید.



۲. لازم است با هماهنگی مسئولین مربوطه جایی که قصد ارائه در آن را دارید متن پیام را قبل از

برگزاری حلقه بازخوانی در اختیار آن ها قرار دهید تا اعضای حلقه قبل از حضور در جلسه متن

پیام را مطالعه کنند. فایل pdf و صوتی پیام در بسته محتوایی موجود است.

۳. به علت محدودیت زمانی حلقه ها نمی توانید تمامی جزئیات متن پیام را ارائه بدهید فلذا در این

نوشته خط اصلی پیام و نکات مهم پیام بازنویسی شده است که با مطالعه آن توانایی رساندن

اصلی ترین ترین مفاهیم آن را خواهید داشت ان شاء الله.

۴. لازم به ذکر است که در طول جلسه با بکارگیری فنون و مهارت های مختلف مخاطب را با

سیر بحث همراه کنید می توانید با طرح سؤالاتی از مخاطبین و یا قرائت بخش های از متن

توسط مخاطبین حلقه ای پرشور و پربار داشته باشید.

بیان مختصر سیر پیام

قطعا یکی از مهمترین پیام های امام خمینی خطاب به حوزه های علمیه و روحانیت حوزه ها را

می توان پیامی دانست که در آخرین سال حیات پر برکت امام امت در تاریخ سوم ۱۳۶۷/۱۲/۳ از سوی

ایشان منتشر شد. این سرگشاده بودن نامه و خطاب سراسری آن به روحانیون، ائمه جمعه، جماعات و

مراجع عظام تقلید در سراسر کشور نیز مسلما خود حاوی پیامی می باشد. چه بسا این نکته امام امت که

در پیام به مناسبت شهادت شهید سید عارف الحسینی صادر شد راز سرگشاده بودن منشور روحانیت

باشد.



«راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسین، در میان ما بود^۱»

امام بزرگوار در طول پانزده سال دوره مبارزات و ده ساله عمر پربرکت خود در دوره نظام اسلامی و بالخصوص سال آخر حیات مبارک خود مکرراً از فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون و استفاده می‌کردند تا خط مبارزه دو جبهه حق و باطل، فقر و غنا و دوگانه اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی و مولفه‌های هر یک را تکرار کنند تا انقلابیون و توده‌های مخلص مردمی که همواره برای احیای کلمه الله و احقاق و اجرای احکام و شعارهای اسلامی تا پای جان ایستاده‌اند اسیر ظاهر زیبای اسلام امریکایی نشوند و هموایی زهراگونه در هنگامه فتنه در برابر این مقدس‌نماها و اسلام مناسک میان‌تهی با هوشیاری ایستادگی کنند.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۲۱



امام امت در ابتدای این پیام به بیان تقدیر و تحسین روحانیت پاک باخته حوزه می‌پردازند و وظیفه شناسی و جان نثاری روحانیت حوزه ها را در طول قرن های متمادی که منجر به شهادت ایشان میشد می ستایند. در فصل دیگری از پیام، حوزه و روحانیت متهد را به عنوان پایگاه اصلی و اساسی برای حفظ، حراست و تبیین و تبلیغ اسلام ناب محمدی و مولفه های آن در حرکتی مجاهدانه معرفی می کنند. که روحانیت همواره باقناعت، صبر، شجاعت، زهد، سادگی و احساس مسئولیت در کنار توده مردم به مقابله با سرمایه داران و پول پرستان پرداخته اند. این همراهی، همگامی و خلوص روحانیت متعهد در معیت توده مردم باعث تعقیب و مخالفت استعمار با این قشر از روحانیت گردید.

این بار امام امت نکته ای را که همواره در پیام ها و بیانات خود در لفافه بیان می کنند بطور صریح و شفاف به این صورت بیان می کنند.

«البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده ای با ژست مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می زنند که گویی وظیفه ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست.



طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام

امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟^۲

تا برای توده‌ها و روحانیت حوزه خلط نشود که همه روحانیت مقصود تقدیرها و یا همگی مورد مذمت قرار می‌گیرند.

در بخش دیگر بیان می‌کنند که استکبار وقتی از تاثیر شعار جدایی دین از سیاست و نابودی روحانیت ناامید شد دو راه را در پیش گرفتند که یکی زور و ازعاب و دیگری نفوذ می‌باشد. بیان می‌دارند که ضربه روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به مراتب کاری از اغیار بوده است.

روحانیت اصیل در دوره مبارزات در برابر سیل تهمت‌ها، شبهات و نسبت‌ها مقاومت نشان دادند و به برکت رهبری الهی امام امت و این استقامت مجاهدانه موفق به پیروزی شدند.

در ادامه پیام امام بزرگوار یکی از راه‌های مقابله با نفوذی‌ها را اتحاد طلاب انقلابی طلاب و مدرسین انقلابی حوزه پیشنهاد می‌کنند که در غیر این صورت هردو قشر آسیب‌پذیر خواهند بود و در غیر این صورتی مغرضینی که قبل و بعد از پیروزی دچار افراط و تفریط در برخورد با مبارزین و انقلاب بودند حربه‌ها و ضربات خود را بر پیکره نظام و انقلاب کاری می‌کنند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۷۸



در هشدارى به طلاب تذکر مى دهند: « من به طلاب عزیز هشدار مى دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانى نماها و مقدس مآبها باشند، از تجربه تلخ روى کار آمدن انقلابى نماها و به ظاهر عقلای قوم که هر گز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.»

در صفحات پایانی پیام خود نیز به جایگاه علمى فقیه و ویژگی های فقه مورد نیاز امروز تشیع و جهان اسلام و همچنین تحسین و درست دانستن روش اجتهادى رایج حوزه ها مى پردازند که همین بسط عملى فقه به تمامی مسائل فردى و اجتماعى زندگى بشر را مایه ترس دشمن و استعمار از فقه، فقیه و اجتهاد بیان مى کنند.

بخش های مختلف پیام را به تفکیک موضوعاتش را مى توانید در ادامه مطالعه بفرمایید. نکته مهم این است که در حلقه های بازخوانی ناظر به متن پیام تحلیل ها ارائه شوند و لذا تفکیک موضوعی پیام از اهمیت برخوردار است.



روحانیت اصیل اسلام

خصوصیات:

پیشتران مبارزه و جهاد

از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان (۶) است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت ها و تلخی هایی متحمل شده اند و همراه با تحمل اسارت ها و تبعیدها، زندان ها و اذیت و آزارها و زخم زبان ها، شهدای گران قدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته اند زیاد است. **در هر نهیضت و انقلاب الهی و مردمی**

، علمای اسلام اولین کسانی بوده اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی -

اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده اند و بر بالای دار نرفته اند و اجساد

مطهرشان بر سنگ فرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده اند؟ خدا را سپاس می گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه ها نسبت به قشرهای دیگر زیاده تر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینی در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده اند و این رقم نشان می دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

شهدای روحانیت

نسبت عمل روحانیت اصیل و علم حقیقی

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه ها و روحانیت. درود بر **حاملان امانت وحی و رسالت، پاسداران** شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده اند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته اند. افتخار و آفرین بر **شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال (۱) تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند** و سبک بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده اند. **سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند** و برای قوم و ملت خود منذران (۲) صادقی شدند که بنبند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانی ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد.



شهادی روحانیت تجلی معنویت ناب حوزه

آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجاب‌ها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سپاه هوس‌ها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از کتم (۳) عدم‌ها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم.

زحمات علمی علماء گذشته جهاد فی سبیل الله

مجاهدات علمی و فرهنگی ... بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان (۶) است

مهمترین پایگاه در مقابل انحرافات و حملات

تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و

انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین - علیهم السلام - و ثبت و تبویب (۴) و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه (۵) و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟ در بعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد

تکیه گاه محرومان و مستضعفان

صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای

بزرگوار سیراب شده‌اند.

زهد و ساده زیستی

آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.



عوامل موفقیت، محبوبیت و پایداری :

هنر و صداقت و تعهد

در ترویج روحانیت و فقاہت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پولپرستان و ثروت‌مندان، بلکه **هنر و صداقت و تعهد** خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.

خصوصیات بزرگی چون

- قناعت
- شجاعت
- صبر
- زهد
- طلب علم
- عدم وابستگی به قدرت‌ها
- احساس مسئولیت در برابر توده‌ها

به هر حال **خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است** و چه عزتی بالاتر از اینکه **روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است** و نهال مقدس فقاہت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است.

مواجهه متقابل جبهه استکبار و سرمایه‌داران زالو صفت با روحانیت اصیل

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چند گاه شاهد انفجار خشم جهان‌خواران علیه یک روحانی پاک‌باخته است. **علمای اصیل اسلام** هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پولپرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که این‌گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. **روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت.**



راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی

نیست؟ مسئله کتاب آیات شیطانی (۷) کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دین‌داری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً

اگر جهان‌خواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است

و إن شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آن‌که حيله و مکر و فریب جهان‌خواران را بشناسیم.

دو راهکار جبهه استکبار در مقابله با روحانیت اصیل

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه‌زدن انتخاب نمود، یکی راه ارباب و زور و

دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهم‌ترین

حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی

که دخالت در سیاست دوشان فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد، یقیناً روحانیون مجاهد

از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند.

احساس خطر از نفوذ اجانب و فرهنگ مبتذل غرب راز مخالفت علما با برخی مظاهر تمدن

مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از

گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط

آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از

قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و

تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و

تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟



خطر روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا در حوزه های علمیه

ترویج اسلام آمریکائی

البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که **روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند**. در حوزه‌های علمیه **هستند** افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با **ژست** تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. **خطر** تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه **کم نیست**. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، این‌ها **مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله**. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

جا انداختن شعار جدائی دین از سیاست

البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند...

... وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی **شد** و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست «و» حکومت دخالت نماید

عوض کردن مفهوم اعتبار و احترام روحانیت به حماقت و عدم رابطه با مردم

حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. **به زعم بعض افراد**، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرپای وجودش بیارد و الا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و **این از مسائل رایج حوزه‌ها** بود که هر کس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یادگرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به‌شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسال، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم.

غرق شدن در احکام فردی و عبادی

وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی **شد** و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست «و» حکومت دخالت نماید،



طرح شبهات و ان قلت به حرکت روحانیت متعهد :

- شاه سایه خداست
- با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد
- ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم
- جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد
- حکومت قبل از ظهور امام زمان عج باطل است

ترویج تفکر شاه سایه خداست و یا با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و این که ما مکلف به جهاد و مبارزه

نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد و از همه شکننده تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه

السلام - باطل است و هزاران ان قلت دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات

جلوی آنها را گرفت، تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله اش را آماده نمود.

تهمت به مجاهدین و انقلابیون

گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز، ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه

وابسته، به مراتب کاری تر از اغیار بوده و هست. در شروع مبارزات اسلامی اگر می خواستی بگویی شاه خائن است،

بلافاصله جواب می شنیدی که شاه شیعه است! عده ای مقدس نمای واپسگرا همه چیز را حرام می دانستند و هیچ کس قدرت

این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها

و سختی های دیگران نخورده است.



- وابستگی به بیگانه و عامل انگلیس بودن
- اتهام امریکائی و روسی و التقاطی بودن
- اتهام حلال کردن حرام ها مثل قمار و موسیقی
- اتهام کشتن زنان آبستن
- افترای بی دینی و تارک الصلاه بودن
- افترای کمونیست بودن
- تهمت وهابی بودن

➤ شکستن اعتصاب چراغانی نیمه شعبان (توسط انجمن حجتیه)

دسته‌ای دیگر از روحانی‌نمایی که قبل از انقلاب، دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یک‌مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن‌همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشاء و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راه‌گشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد و اسلاما سر می‌دهند!

دیروز حجتیه‌ایها (۱۰) مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام‌ها و حرام کردن حلال‌ها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدم‌های لامذهب یا از مقدس‌نماهای متحجر و بی‌شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه این‌ها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست،



مبارزه با نظام و کودتا

➤ غائله قم

➤ غائله تبریز (حزب خلق مسلمان با رهبری شریعتمداری)

➤ غائله کردستان

➤ کودتای نوژه

ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است.

شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آن‌ها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز (۸) با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه (۹) سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت.

تأثیر انقلاب اسلامی بر روند قهقرایی روحانیت و حوزه‌ها

تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود. علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند.

علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهم‌ترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود، گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار آمریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوٰه و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند، می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس‌نمای ناآگاه یا بازی‌خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند. **آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه**



خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن

است. بگذارم و بگذرم و ذائقه ها را بیش از این تلخ نکنم.

سو استفاده از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون

با این که در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می شود، فوراً باندها فریاد می زنند که چه نشسته اید، جمهوری اسلامی می خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می کنند که نظام به روحانیت امتیاز بی جا می دهد. مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوءاستفاده نکنند و با موج آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ کس قائل نیست و **خدا می داند که**

شخصاً برای خود ذره ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهبای مؤاخذه ام.

راه مقابله با جریان تحجر

مبارزه با این جریان کار بسیار مشکلی

حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه ها چه باید کرد؟ گر چه کار مشکل است ولی چاره چیست؟ باید فکری کرد.

و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است. از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.

جلوگیری از نفوذ اندیشه جدایی دین از سیاست در بین طلاب جوان

البته هنوز حوزه ها به هر دو تفکر آمیخته اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند

بیان مشقات و سختی ها و چگونگی مبارزه مبارزین قبل از انقلاب

و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده لوحان بی سواد، عده ای کمر همت بسته اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد درصد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می رفت،



بیان خیانت های جریان متحجر حوزه نسبت به مبارزین برای طلاب جوان

هشیاری نسبت به باز بودن پرونده متحجرین در حوزه علمیه و بازگشت انقلابی نما

ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است.

حفظ اتحاد طلاب انقلابی و دوری از هر گونه اختلاف افکنی به هر اسمی و به هر نحوی

مسئله دیگر این که امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده اند. غفلت از آن، همه چیز را برباد می دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی توان پیش بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می دهد. إن شاء الله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه های علمیه بوده اند - نعوذ بالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده اند؟ مگر همان ها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همان ها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی نمودند؟ اگر خدای ناکرده این ها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه ها حاکم نمی کنند؟ و یا آن ها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده اند می توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟

راستی شکست هر جناحی از علماء و طلاب انقلابی و روحانیون و مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریانی را تضمین می کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه داری و دیگری متهم به التقاطی می شود که من برای حفظ اعتدال جناح ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می دانم البته هیچ گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح های مؤمن به انقلابم که مبدا منتهی به تقویت جناح



رفاه طلب بی درد و نقزن گردد. نتیجه می گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرت ها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می دهند.

جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی عرضه و فرصت طلب و نقزن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم السلام. اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختی ها به سراغ مردم می روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسایی هاست، آن هم کدام روحانی، روحانی بی درد و بی مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنگها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می شود و کمبودها و نیازها رخ می نماید ولی من با یقین شهادت می دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا و جهان خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی بر ایمان نمانده بود.

ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده های خود نسبت به عملکردها و مدیریت ها و سلیقه های دیگران و مسئولین

انتقادی داشته باشد، ولی **لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت ها که**

همه مشکلات و نارسایی ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه

ضعف ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می برد و زمینه را برای ورود بی تفاوتها و بی دردها به صحنه انقلاب آماده

می کند. **من امروز بر این عقیده ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن همه توطئه ها و خصومت ها و جنگ افروزی هایی که**

در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می آوردند.



امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که **اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها** دلیل به هم خوردن الفت و **وحدت طلاب و علمای متعهد** گردد.

اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل

ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی

در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم

قرائت درست از دستاوردهای جنگ

حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن‌همه خسارات چیزی به دست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنان‌مان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن‌چنانی برخوردار شد و از همه این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. همه این‌ها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه این‌ها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت.

جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه‌نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان‌نهایی نرسیده‌ایم،



پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است! درحالی که صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست. من در این‌جا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین - علیهم السلام - در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود.

دستاوردهای انقلاب

ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهای مان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

هشدار به طلاب درباره آینده انقلاب (خطر روی کار آمدن انقلابی‌نماها)

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر این که باید مواظب القائنات روحانی‌نماها و مقدس‌مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود. من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن، به راحتی از میان نمی‌رود؛ گر چه در آن موقع هم من شخصاً



مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و **الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند.** امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. **انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم،** آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلب‌کاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر آمریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر.

ترحم بیجا ممنوع

و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تاثیر ترحمهای بی‌جا و بی‌مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعضی از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آن‌هایی که دستشان به رادیو - تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرفهای دیگران را می‌زنند **صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند** که علاوه بر ده‌ها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری‌اند. من در این‌جا خود را شرمنده و کوچک‌تر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشت‌ها و تصورات ناب‌جای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند



روش اجتهاد ناب

فقه سنتی یا پویا

اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم.

ویژگیهای مجتهد جامع

آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه (۱۱) این قدر جهان‌خواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد علمی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پر حماسه می‌داند و از این که فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند مضطرب شده‌اند. من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جواب‌گوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.



حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

کتاب آیات شیطانی

ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که إن شاء الله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می‌نماییم. خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه دار می‌کند عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رافت و انسان دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را رو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. البته باید ببینیم که بعض دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می‌کنند. اینکه دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان آجیر شده در آستین فراوان دارد. ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه‌مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند.



این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی سلمان رشدی آن‌قدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیست‌ها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت‌کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از

دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند،

ضروری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که

اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.

روحانیت و پذیرش مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی

نکته آخری که توجه به آن لازم است این‌که روحانیون و علماء و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.

روش برخورد با مفاهیم این پیام

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرهای گذرها و کمینگاه‌ها را بهتر بشناسند.



دعا

امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمت‌گزار حقیر خود، دل‌گیر نشده باشید و در مظان استجابت دعا با انفاس قدسیه و با دل‌های منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم. خداوندا! توان علماء و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاہت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بی‌کران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمت‌گزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما. إِنَّک ولیّ النّعم. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته .